اخبار

خروش رودخانه دربند به کاخ سعدآباد آسیبی نزده است



مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد گفت: خروش رودخانه دربند در پی بارندگی بی‌وقفه تهران، آسیبی به سازه‌ها و کاخ‌های سعدآباد وارد نکرده است.

در پی بارش شدید و بی‌وقفه باران در تهران و خروش رودخانه دربند، نگرانی‌هایی نسبت به وضعیت کاخ‌ها، سازه‌ها و پوشش گیاهی مجموعه تاریخی سعدآباد، که این رودخانه از میان آن گذر می‌کند، ایجاد شده است که سید محسن میر، مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد در پاسخ به پیگیری ایسنا در این‌باره، گفت: طغیان رودخانه دربند تاکنون مشکل و آسیبی به این مجموعه وارد نکرده است.

او اضافه کرد: اتفاقا بارش باران برای درختان و پوشش گیاهی سعدآباد حُسن است.

مدیر کاخ سعدآباد ادامه داد: سازه‌ها و کاخ‌های سعدآباد به گونه‌ای حرفه‌ای و مهندسی‌شده ساخته شده‌اند که طغیان رودخانه به آن‌ها آسیبی وارد نمی‌کند. بیشتر سازه‌ها و کاخ‌ها یا با فاصله ازحریم رودخانه و روی بلندی و دامنه‌های کوه و در دل جنگل سعدآباد قرار دارند و یا روی سکوهای بلند و با ارتفاع از سطح زمین، ساخته شده‌اند. بنابراین اگر آب باران در محوطه هم جاری شود، آسیبی متوجه کاخ‌ها و سازه‌های این مجموعه نخواهد بود.

رودخانه دربند با ارتفاع ۱۶۵۰ تا ۱۸۰۰ متری از سطح دریا از وسط محوطه تاریخی سعدآباد می‌گذرد. براساس مستندات تاریخی، در دوران پهلوی اول، سراسر باغ سعدآباد از رودخانه دربند مشروب می‌شد، ولی در دوران پهلوی دوم، به دلیل بخشیدن آب رودخانه در نیمی از شبانه‌روز به رعایا، و کافی نبودن این میزان آب رودخانه برای آبیاری سراسر مجموعه، از دوازده رشته قنات قدیمی و جدیدالاحداث استفاده شده است.

به دلیل همزمانی با شهادت حضرت فاطمه (س)

نمایش‌های کشور ۲ شب به صحنه نمی‌روند



همزمان با شهادت حضرت فاطمه (س) نمایش‌های کشور، دو شب اجرا نخواهند داشت.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی و بنا به اعلام شورای ارزیابی و صدور پروانه اجرای نمایش، از اذان مغرب روز پنجشنبه ۲۱ آبان تا پایان روز جمعه ۲۲ آبان‌ماه، نمایش‌های کشور به صحنه نمی‌روند.

اجرای نمایش‌ها از روز شنبه ۲۳ آبان‌ماه، طبق روال سابق می‌تواند ادامه پیدا کند.

در این بازه زمانی، نمایش‌های مناسبتی، مذهبی و سوگواره‌ها، با رعایت قوانین محل اجرا، امکان ادامه اجرا خواهند داشت.

از «گوست کردن» تا «دراماکویین»؛ چرا جوانان فانگلیسی حرف می‌زنند؟

جملات نوجوانان امروزی رمزگذاری شده به نظر می‌رسد

از «گوست کردن» و «دراماکویین» تا «گسلایت»؛ واژه‌هایی که نسل جدید با آن‌ها حرف می‌زند و نسل‌های پیشین گاهی معنایشان را نمی‌فهمند. آیا زبان مشترک میان نسل‌ها در حال از بین رفتن است؟ بهروز محمودی بختیاری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با فرارو از دلایل این دگرگونی زبانی و پیامدهای آن برای فارسی می‌گوید.



گسترش این ادبیات تا جایی پیش رفته که گاهی نسل‌های پیشین در گفت‌وگو با جوانان، حتی با وجود اختلاف سنی نه‌چندان زیاد، بخش قابل توجهی از واژگان مورد استفاده آنان را درک نمی‌کنند

«نمی‌دانم معادل فارسی دراماکویین چیست که بار توهین‌آمیز نداشته باشد.» این جمله را یکی از جوانانی می‌گوید که در گفت‌وگوی روزمره خود به‌وفور از واژگان و اصطلاحات انگلیسی استفاده می‌کند. این واژه‌ها حالا صرفا اصطلاحاتی پراکنده در فضای مجازی نیستند و به بخشی از زبان محاوره نسل جدید تبدیل شده‌اند.

به گزارش فرارو، گسترش این ادبیات تا جایی پیش رفته که گاهی نسل‌های پیشین در گفت‌وگو با جوانان، حتی با وجود اختلاف سنی نه‌چندان زیاد، بخش قابل توجهی از واژگان مورد استفاده آنان را درک نمی‌کنند. به جز آن گاهی واژه‌های آشنا نیز در ترکیب‌ها و موقعیت‌های جدید، معنایی متفاوت پیدا می‌کنند و همین تغییر، فاصله میان نسل‌ها را بیشتر می‌کند. اما این دگرگونی تا کجا طبیعی است و از چه نقطه‌ای می‌تواند به تهدیدی برای زبان و فرهنگ فارسی تبدیل شود؟

«این دراماکویین‌بازی‌ها چیه؟»

در جمعی از جوانان، واژگانی به گوش می‌رسد که برای شنونده ناآشناست. چند نفر درباره رفتار یکی از دوستان غایبشان صحبت می‌کنند. یکی از آن‌ها می‌گوید: «من نمی‌فهمم این دراماکویین‌بازی‌ها چیست که از خودش درمی‌آورد.» معنای «دراماکویین» چیست؟ یکی از حاضران در پاسخ می‌گوید:

«واقعا نمی‌دانم. شاید بشود گفت کسی که از هر قصه‌ای دراما می‌سازد و فیلم هندی درست می‌کند.» دیگری توضیح می‌دهد: «شاید بشود گفت کسی که از کاه کوه می‌سازد. واقعا هر کلمه‌ای بگوییم، حق مطلب را ادا نمی‌کند.» برای اعضای این جمع عجیب نیست که پرسشگر، با وجود اختلاف سنی اندک، تا این اندازه با ادبیات آن‌ها بیگانه باشد. گویی زبان مشترک میان آن‌ها و نسل‌های پیشین، آرام‌آرام از میان رفته است.

رانا، دختر ۱۷ ساله، می‌گوید: «یکی از دلایلی که معاشرت با خانواده برایم سخت است، نبودن زبان مشترک است. ما فانگلیسی حرف می‌زنیم. مگر بد است که زبان و جهان خودمان را داریم؟» این شکاف از چه زمانی شکل گرفته و چه عواملی آن را عمیق‌تر کرده است؟

«بریم کافی بزنیم، سی‌سی؟»

در این جمع دوستانه، نام‌ها نیز با آنچه در شناسنامه ثبت شده تفاوت دارند. بعضی از جوانان نام شخصیت‌های انیمه‌ها را برای خود انتخاب کرده‌اند و در گفت‌وگوهایشان، در کنار واژه‌های فارسی، به‌طور مداوم از اصطلاحات انگلیسی استفاده می‌کنند.

یکی از آن‌ها که بخشی از موهایش را سبز کرده، خود را «سی‌سی» معرفی می‌کند؛ نامی برگرفته از شخصیت محبوبش در انیمه «کد گیاس». دوستش به او می‌گوید: «برویم کافی بزنیم، سی‌سی؟» او در پاسخ می‌گوید: «تا دو دقیقه پیش من را گوست کرده بود، حالا می‌گوید برویم کافی بزنیم.» وقتی از او می‌پرسم چرا به‌جای «نادیده گرفتن» از اصطلاح «گوست کردن» استفاده می‌کند، پاسخ می‌دهد:

«حق مطلب ادا نمی‌شود. ارتباط ذهنی بیشتری با انگلیسی برقرار می‌کنم و حسم راحت‌تر منتقل می‌شود.» دوستش میان صحبت‌های او می‌پرد و می‌گوید: «هانی، الان جهان براساس ترند می‌چرخد. حس رقابت دارد. نباید عقب بمانی.»

پارمیس، یکی دیگر از اعضای جمع، نیز معتقد است ناآشنایی با این واژگان به معنای محروم ماندن از بخش مهمی از ارتباطات روزمره در فضای مجازی است.

او می‌گوید: «اگر این کلمات را نشناسید، نصف توییت‌ها و پست‌های فضای مجازی را متوجه نخواهید شد. اما حس می‌کنم شما داری ما را گسلایت می‌کنی.» منظورش این است که با پرسش‌های پی‌درپی، در حال القای حس گناه به آن‌ها هستم. این گفت‌وگو، فراتر از کاربرد چند واژه انگلیسی در مکالمات روزمره، نشانه تغییری در شیوه ارتباط نسل جدید است. در این تغییر، زبان فقط وسیله انتقال معنا نیست، بلکه به ابزاری برای تعریف هویت، تعلق به یک گروه و هم‌گامی با تحولات فضای مجازی تبدیل شده است.

پرسش اصلی این است که چه عواملی به ورود و گسترش این واژگان در زبان محاوره فارسی سرعت بخشیده‌اند و آیا این روند می‌تواند در بلندمدت به تغییر ساختار و تضعیف زبان فارسی منجر شود؟

شبکه‌های اجتماعی؛ مسیر ورود اصطلاحات انگلیسی به زبان جوانان

بهروز محمودی بختیاری عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در پاسخ به این پرسش فرارو که واژگان انگلیسی از چه مسیری وارد زبان محاوره فارسی شده‌اند، گفت: «اصولا ورود این واژه‌های نامتعارف، که از گذشته برای آن‌ها برابرنهادهای فارسی داشته‌ایم، به زبان فارسی، به‌طور مشخص میراث دستاورد فضای مجازی است. این شبکه‌ها در این زمینه نقش قابل توجهی داشته‌اند و به نظر من، ضربه قابل توجهی به پیکره گفتمان زبان فارسی وارد کرده‌اند.»

در ادامه این گفت‌وگو، موضوع نقش فیلم‌ها، سریال‌ها و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور در رواج واژگان انگلیسی مطرح شد. این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در این باره توضیح داد: «فیلم‌ها و سریال‌هایی که از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور پخش می‌شوند، معمولا به‌صورت حرفه‌ای تولید نمی‌شوند. شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور عمدتا شبکه‌های خبری هستند و شبکه‌های برنامه‌ساز به آن معنایی که ما از این مفهوم در نظر داریم، نیستند. به همین دلیل، ما با حجم قابل توجهی از فیلم‌ها و سریال‌های تولیدشده در خارج از کشور مواجه نیستیم که بتوانند در این زمینه معیار قرار بگیرند.»

چرا جوانان واژگان انگلیسی را ترجیح می‌دهند؟

یکی از پرسش‌های اصلی این گفت‌وگو، چرایی گرایش نسل جوان به واژگان انگلیسی در شرایطی است که برای بسیاری از این اصطلاحات، معادل‌های فارسی وجود دارد. محمودی بختیاری در این مورد گفت: «متاسفانه حسی که مربوط به سال‌های اخیر هم نیست و از چند دهه پیش، به‌طور مشخص پس از جنگ جهانی دوم، در کشور ما رواج پیدا کرده، این است که تصور می‌کنیم زبان اقوام غالب، مانند آمریکایی‌ها، زبان فناوری، پرستیژ و موفقیت است. به همین دلیل، بسیاری از آن کلمات متاسفانه از آن زمان در زبان فارسی رایج شده‌اند؛ کلماتی مانند «اوکی» که در گفتار روزمره به کار می‌روند.»

تصور می‌کنند با واژه‌های انگلیسی امروزی‌تر به نظر می‌رسند

او با اشاره به اینکه گسترش فضای مجازی سرعت این روند را افزایش داده است، ادامه داد: «سرعت، شدت و میزان این پدیده با توجه به دسترسی مردم به فضای مجازی بیشتر شده است؛ به‌ویژه در مورد جوانان. گاهی حتی می‌توان با شنیدن اصطلاحاتی که به کار می‌برند، متوجه نشد که منظور آن‌ها چیست.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تاکید کرد: «به هر حال، آن چیزی که اهمیت دارد، این است که افراد تصور می‌کنند اگر از واژه‌های بیگانه، به‌ویژه انگلیسی، استفاده کنند، احتمالا امروزی‌تر به نظر می‌رسند، پیشرفته‌تر به نظر می‌رسند و گویی خود را با شرایط دنیای تکنولوژیک تطبیق می‌دهند؛ در حالی که چنین نیست.»

آیا واژگان انگلیسی به زبان فارسی آسیب می‌زنند؟

در ادامه گفت‌وگو، از محمودی بختیاری پرسیده شد که آیا گسترش واژگان انگلیسی در محاوره فارسی می‌تواند در بلندمدت تهدیدی برای این زبان باشد. او در پاسخ گفت: «معمولا چنین نیست که ورود واژه‌های بیگانه به زبان فارسی، برای نخستین بار اتفاق افتاده باشد. زبان فارسی تاکنون توانسته است بسیاری از این واژه‌ها را در خود جذب کند و بسیاری از آن‌ها را نیز کنار بگذارد. با این حال، با توجه به اینکه فاصله و تفاوت نسبی میان نسل‌ها در کشور ما بسیار کوتاه شده است، این مسئله می‌تواند نگران‌کننده باشد.»

این روند ممکن است ارتباط نسل‌ها را مختل کند

محمودی بختیاری در توضیح این موضوع افزود: «اگر زمانی برای اینکه یک نسل از نسل پیش از خود فاصله بگیرد، باید حدود ۲۰ سال می‌گذشت، اکنون ظرف چهار یا پنج سال، یک نسل جدید معرفی می‌شود. این مسئله می‌تواند نگران‌کننده و خطرناک باشد؛ زیرا ممکن است تا اندازه‌ای ارتباط نسل‌ها با یکدیگر را مختل کند.»

چرا واژگان عربی در فارسی ماندگار شدند؟

محمودی بختیاری به جایگاه متفاوت زبان عربی در فرهنگ و زندگی دینی ایرانیان اشاره کرد و گفت: «نکته‌ای که وجود دارد، این است که برای مردم ایران که مسلمان هستند، عربی زبان قرآن و زبان دیانت آن‌هاست. مردم ایران، حتی کسانی که کاملا فارسی صحبت می‌کنند، روزی پنج بار نماز عربی می‌خوانند. بنابراین، موقعیت زبان عربی متفاوت است و از قدیم‌الایام، واژه‌های آن با زبان فارسی درهم‌تنیده شده‌اند؛ حتی در مواردی که معنای آن‌ها در فارسی تغییر کرده است.»

حافظ و مولانا این واژه‌ها را در زبان فارسی رواج دادند

او سپس میان جایگاه واژگان عربی در آثار ادبی کلاسیک و اصطلاحات رایج در گفتار نوجوانان امروز تفاوت قائل شد و افزود: «ویژگی دوم این است که حافظ و مولانا این واژه‌ها را به کار برده‌اند. این واژگان به‌واسطه کسانی در زبان فارسی رواج پیدا کرده‌اند که آن‌ها را با بهترین معنا و در چارچوب الگوهای زبانی خود به کار می‌بردند؛ نه به‌واسطه یک پسر ۱۸ ساله که در کوچه ایستاده و با دختری صحبت می‌کند.»

او در ادامه به ماهیت واژگان مورد استفاده در محاوره جوانان اشاره کرد و گفت: «این واژه‌هایی که اکنون در گفتار نوجوانان و جوانان ما به کار می‌روند، واژه‌های علمی یا فنی نیستند؛ بلکه واژه‌های گفتار روزمره‌اند و برای همه آن‌ها نیز برابرنهاد فارسی وجود دارد.»

چرا معادل‌های فارسی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند؟

او درباره سیاست‌گذاری زبانی گفت: «مشکل هم به نوع اطلاع‌رسانی فرهنگستان مربوط است و هم متاسفانه به رسانه‌ها. در همه جای دنیا، فرهنگستان‌ها بازوهای فرهنگی و ادبی جوامع هستند و حکومت‌ها از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند. همین اکنون نیز اعضای فرهنگستان با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند.»

او درباره کلمات مصوب فرهنگستان که دستاویز شوخی و خنده می‌شوند، گفت: «این موضوع جدیدی نیست. صادق هدایت و مجتبی مینوی نیز به محصولات فرهنگستان زبان می‌خندیدند.»

آیا برای همه واژه‌های بیگانه باید معادل فارسی ساخت؟

او با اشاره بر اهمیت توانایی زبان‌ها برای تولید واژگان تازه گفت: «ماجرا این است که زمانی گفته می‌شد مخترع ماهواره ما نبوده‌ایم؛ پس چرا باید برای آن نام فارسی انتخاب کنیم؟ اما می‌توان همین پرسش را درباره بسیاری از چیزهایی مطرح کرد که از فرهنگ ایرانی به فرهنگ‌های خارجی راه یافته‌اند. برای مثال، آیا نخستین کسانی که پیژامه پوشیدند، خارجی‌ها بودند که این واژه را وارد جامعه ما کردند؟»

او در ادامه توضیح داد: «ماجرا این است که کشورهای مختلف دنیا، اگر بخواهند زبانشان زنده، پویا و تپنده بماند، باید برابرنهادهای خود را به‌سرعت تولید و وارد زبانشان کنند؛ در غیر این صورت، پس از مدتی ممکن است فقط فعل‌های زبانشان باقی بماند.»

محمودی بختیاری برای توضیح این مسئله به شیوه نگارش و مکاتبات در دوره قاجار اشاره کرد و گفت: «برای مثال، در دوره قاجار، زبان منشی‌ها به‌گونه‌ای بود که از واژگان و ساختارهای زبان‌های دیگر، به‌ویژه عربی، بسیار استفاده می‌کردند. در نامه‌ها و نوشته‌های آن‌ها، جمله‌ها سرشار از واژه‌های عربی بود و در مورد افرادی که تازه از خارج برگشته بودند، واژه‌های فرانسوی نیز فراوان به کار می‌رفت. در چنین شرایطی، عملا انتظار می‌رفت زبان فارسی جامعه به‌تدریج جایگاه خود را از دست بدهد.»

زبان فارسی، شناسنامه نامرئی ایرانیان است

او بر ضرورت تقویت پیوند هویتی مردم با زبان فارسی تاکید کرد و گفت: «ماجرا این است که باید افراد بدانند زبان فارسی هویت آن‌ها و شناسنامه نامرئی‌شان است. همان‌طور که اگر به جایی مراجعه کنید و بخواهید خدماتی دریافت کنید، باید کارت ملی همراه داشته باشید، یک کارت ملی نامرئی نیز دارید که زبان فارسی و هویت ایرانی شماست.»

اخبار

مقصد بعدی همایون شجریان ساحل خلیج فارس است



همایون شجریان پس از شیراز و اصفهان، ۲۰ آبان با گروه سیاوش در دو سانس به کیش می‌رود.

به گزارش تسنیم، پس از برگزاری کنسرت‌های «هرجا که تویی» در شیراز و اصفهان، همایون شجریان از ادامه این پروژه موسیقایی در جزیره کیش خبر داد؛ اجرایی که قرار است ۲۰ آبان‌ماه در دو سانس و با همراهی گروه سیاوش برگزار شود.

شجریان در پیام خود با اشاره به شب‌های برگزاری این کنسرت در شیراز و اصفهان، از اشتیاق گروه برای دیدار دوباره با مخاطبان در کنار خلیج فارس نوشت و ابراز امیدواری کرد این اجرا نیز به شب‌هایی سرشار از موسیقی و خاطره تبدیل شود.

همایون شجریان در توضیح این همراهی، موسیقی را فرصتی برای نزدیک‌تر شدن دل‌ها و سهیم‌شدن در ساختن فردایی روشن‌تر توصیف کرده است؛ نگاهی که قرار است در ادامه مسیر این پروژه نیز همراه آن باشد.

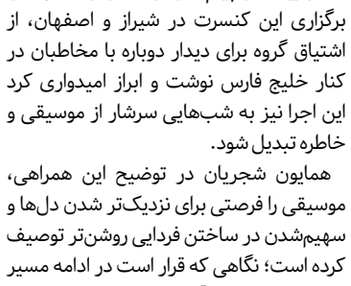
بر اساس اعلام شجریان، بلیت‌فروشی کنسرت کیش از ساعت ۱۲ روز شنبه ۱۶ آبان‌ماه آغاز می‌شود. در این اجرا، آزاد میرزاپور با عود، حسین رضایی‌نیا با دف، مهیار طریحی با سنتور، رادمان توکلی با تار، مهرزاد اعظمی‌کیا با کمانچه و مرتضی مؤمنیان با تنبک، همایون شجریان را همراهی می‌کنند.

اجرای پروژه «هرجا که تویی» بر عهده مؤسسه فرهنگی هنری همایون شجریان است و سحر فروزان مدیریت برنامه آن را بر عهده دارد. رضا موسوی طراح و کارگردان صحنه، کاوه عابدین مهندس صدا، محسن فتاحی مدیر اجرایی و باز استودیو طراح و مجری صحنه هستند.

همچنین امیرحسین سیر طراحی نور، افسانه شجریان عکاسی، لاله سهندی مشاوره معماری، مرکز مدیریت رسانه فراهنگ طراحی گرافیک، علی خمسه مستندسازی، علیرضا سپهوند روابط عمومی و نگین شکیبا دستیاری کارگردان را بر عهده دارند.

مرجان معصومی، بهنام فرخ‌نژاد، محمد عبداللهی و بهنام جعفرزاده اعضای گروه صدابرداری این پروژه هستند و نسترن فروزان، هدیه جدیدی و محسن ساریخانی نیز به‌عنوان دستیاران اجرایی فعالیت می‌کنند.

پرویز حبیب‌پور دارفانی را وداع گفت



پرویز حبیب‌پور - نقاش پیشکسوت - از دنیا رفت.

به گزارش گروه فرهنگی و هنری برنا، این هنرمند پس از طی دوره‌ای بیماری امروز، ۱۶ آبان، در سن ۹۱ سالگی درگذشت.

پرویز حبیب‌پور (متولد ۱۳۱۴) کار نقاشی را از اواسط دهه ۱۳۳۰ شروع کرد و به فراگیری نقاشی نزد هوشنگ پیمان پرداخت. اولین نمایشگاه انفرادی‌اش را در تالار نقش برپا کرد (۱۳۵۴) و از آن پس آثارش را بارها در ایران و دیگر کشورها به نمایش گذاشت. حبیب‌پور سال‌ها به تدریس نقاشی اشتغال داشت و چند کتاب آموزشی نیز از او به چاپ رسیده است.

۶۰ درصد هزینه انتشار هر کتاب، مربوط به کاغذ است

ناشران در انتظار کاغذ ارزان‌تر یا ارز مبادله‌ای

در پی افزایش چشمگیر قیمت کاغذ پس از حذف ارز ترجیحی، بهای هر بند کاغذ به حدود ۱۲ تا ۱۳ میلیون تومان رسیده و سهم این ماده اولیه از هزینه انتشار کتاب، به گفته مدیر انتشارات ثالث، از ۲۰ به ۶۰ درصد افزایش یافته است. حالا با آغاز فرآیند تخصیص کاغذ از محل ارز مبادله‌ای، این پرسش مطرح است که آیا دسترسی ناشران به کاغذ با نرخ مناسب‌تر می‌تواند از فشار فزاینده هزینه‌های تولید کتاب بکاهد؟

به گزارش خبرآنلاین، تیم اقتصادی دولت چهاردهم از همان زمانی که به‌صورت رسمی بر سر کار آمد، بارها بر سیاست تک‌نرخی کردن ارز تأکید داشت؛ با این استدلال که وجود چندین نرخ برای ارز به رانت، تورم، کاهش ارزش پول ملی، ناترازی ارزی و اضافه‌برداشت بانک‌ها منجر می‌شود. سرانجام، ۱۴ دی ۱۴۰۴، با ادغام دو تالار مرکز مبادله ارز و طلا، تأمین ارز کالاها و خدمات با نرخ روزانه و توافقی این مرکز و اعمال محدودیت در دامنه ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز به مرحله عمل رسید.

در همان روزها (۱۷ دی ۱۴۰۴)، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حاشیه هجدهمین دوره جایزه جلال آل‌احمد، تأثیر تک‌نرخی شدن ارز بر مسئله کاغذ را موجب ایجاد شرایطی سخت برای ناشران و اهل قلم خواند و گفت: «مصیبتی است که مقداری عمومی‌تر شده، لذا قابل تحمل‌تر است.» او که به پرسش خبرنگار ایسنا در این خصوص پاسخ می‌داد، تصریح کرد: «تا زمان دونرخی بودن ارز، تلاش ما بر این بود که کاغذ در فضای نرخ تالار اول قرار بگیرد، بر همین اساس مسیر واردات طی شده و درخواست‌ها و سفارش‌ها انجام شده بود. با این حساب، شاید برنامه دولت هم در کوتاه‌مدت این نبود که بخواهد تک‌نرخی شدن ارز را در سال ۱۴۰۴ به سرانجام برساند، اما با سیاستی که هم‌اکنون اتخاذ شده، کلیه کالاها از جمله کاغذ مشمول این داستان شده‌اند.»

تأثیر این اتفاق را بر بازار نشر، علیرضا رئیس‌دانا، مدیر انتشارات نگاه، در گفت‌وگو با خبرآنلاین (۲ اسفند ۱۴۰۴) به زبانی ساده این‌طور توضیح داد: «.... ما اگر امروز، فرضاً سه وانت کتاب از انبارمان به فروشگاه بیاوریم و همه آن تا پایان روز به فروش برسد، با پولش می‌توانیم یک وانت کتاب چاپ کنیم...» استدلالی که از طریق اعداد و ارقامی که رئیس‌دانا به آن‌ها اشاره کرد نیز قابل اثبات بود. او گفت: «سال گذشته، همین زمان، کاغذ بالک ۶۰ گرمیِ ۶۰ در ۹۰ را بندی ۸۰۰ هزار تومان خریده بودم، در حالی که هفته گذشته، برای نمونه ۷۰ گرمیِ همان کاغذ بندی ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پرداختیم و از هفته گذشته تا حالا، بندی ۳ و ۴۰۰ یا ۳ و ۵۰۰ فروخته می‌شود. درواقع ما اگر قصد خرید ۱۰۰۰ بند کاغذ را داشته باشیم، باید نزدیک به ۴ میلیارد تومان بپردازیم.» روایت او از روزهای دشوار تأمین هزینه‌های کاغذ پس از حذف ارز ترجیحی این‌طور ادامه پیدا کرد: «وضعیت به‌گونه‌ای شده است که برای اطلاع از قیمت کاغذ، باید تا مشخص شدن قیمت جدید دلارِ ظهر هر روز، منتظر ماند. در کنار این، هزینه زینک، مرکب، چاپ، صحافی و... چندین برابر شده است. در شرایطی که کتاب، با توجه به شرایط اقتصادی، به کالایی از جمله کالاهای انتهایی سبد خرید خانواده‌ها تبدیل شده است، معدود خریداران کتاب نیز توان خریدشان روزبه‌روز کمتر می‌شود. همه این‌ها، تیراژ را پایین و پایین‌تر می‌آورد، ضمن این‌که خود ما به علت فشار اقتصادی ناچار شدیم انبار دو هزار متری‌مان را واگذار و به انباری ۵۰۰ متری اکتفا کنیم که همین هم به‌عنوان عاملی ثانویه بر کاهش تیراژمان اثر می‌گذارد.»

تأمین از محل ارز مبادله‌ای، با نرخی متناسب‌تر نسبت به بازار آزاد

این وضعیت که هم‌اکنون نیز ادامه دارد، اما علی‌الظاهر قرار است با اقدامی از سوی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اندکی بهبود یابد. اقدامی که روابط عمومی معاونت امور فرهنگی، ۱۱ آبان ۱۴۰۵، در تشریح آن چنین نوشت: «با پیگیری این معاونت، فرآیند تخصیص ارز مبادله‌ای برای تأمین کاغذ ناشران کلید خورده و ثبت‌نام برای توزیع این کاغذ، آغاز شد. بر همین اساس، فرآیند ثبت‌نام ناشران متقاضی دریافت کاغذ دولتی از دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ آغاز شده است و ناشران محترم می‌توانند با مراجعه به سامانه WWW.paperds.ir نسبت به ثبت میزان نیاز و درخواست خود اقدام کنند.» طبق اعلام روابط عمومی معاونت فرهنگی، در ادامه درخواست‌های ثبت‌شده در کمیته توزیع کاغذ معاونت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و پس از تأیید میزان کاغذ اختصاص‌یافته به هر ناشر، پیش‌فاکتور رسمی صادر می‌شود و ناشران می‌توانند پس از واریز وجه، کاغذ موردنظر خود را دریافت کنند.

خبرآنلاین این‌بار پای صحبت‌های محمدعلی جعفریه مطبعه‌چی، مدیر انتشارات ثالث، نشست و از او پرسید آیا گمان می‌کند «ارائه کاغذ از محل ارز مبادله‌ای، با نرخی متناسب‌تر نسبت به بازار آزاد» می‌تواند اندکی از مصائب بی‌شمار این روزهای ناشران بکاهد یا خیر؟

مدیر نشر ثالث، یکی از ناشران برجسته و شناخته‌شده ایران که فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۷۵ آغاز کرده است، صحبت‌های خود را با اشاره به «جهشی حدوداً ۴۰ درصدی» آغاز کرد؛ جهشی در تأثیر هزینه‌های تأمین کاغذ بر قیمت نهایی کتاب. او با بیان این‌که «به عقیده من مشکل اصلی ناشران در حال حاضر از این قرار است که ۶۰ درصد هزینه انتشار هر کتاب، مربوط به هزینه‌های تأمین کاغذ و همین موجب بالا و بالاتر رفتن هزینه نهایی چاپ کتاب می‌شود»، ادامه داد: «در واقع ناشر اگرچه می‌تواند در زمینه‌های دیگر ضمن چشم‌پوشی از «سود» خود، از هزینه های جانبی بکاهد تا در نهایت کتاب را با هزینه‌ای مناسب‌تر به دست خواننده برساند، اما در قبال هزینه‌های تأمین کاغذ کاری از دستش برنمی‌آید. پس در حالی که پیش از این ۲۰ درصد هزینه انتشار هر کتاب مربوط به هزینه‌های تأمین کاغذ می‌شد و دست ناشر برای کاستن از دیگر هزینه‌ها جهت کاهش قیمت نهایی کتاب باز بود، در حال حاضر و به‌واسطه جهش ۴۰ درصدی مذکور، دست‌وبال ناشر برای کاهش قیمت نهایی کتاب بسته‌تر از پیش است.»

جعفریه با بیان این‌که قیمت هر بند کاغذ در حال حاضر با قیمت روزانه ارز محاسبه می‌شود، از فروش کاغذ با بهای کیلویی ۴۰۰، ۴۵۰ هزار تومان گفت که به عبارتی، هر بند کاغذ معادل ۲۴ کیلو، چیزی حدود ۱۲ یا ۱۳ میلیون تومان می‌شود.

او با بیان این‌که «چنین وضعیتی طبیعتاً نیازمند اندیشیدن راهکاری اساسی است، چراکه «حفظ فرهنگ تحت هر شرایطی» اعم از جنگی و غیرجنگی، امری نیست که درخصوص لزوم آن بتوان چون‌وچرا کرد»، تصریح کرد: «به‌عنوان مثال، یکی از کالاهایی که دولت فرانسه در جنگ جهانی دوم بر لزوم تعلق یارانه به آن پافشاری و اصرار داشت، «رنگ‌روغن» بود و همین، یکی از عوامل پابرجایی هنر نقاشی در فرانسه تحت هر شرایطی شد. این در حالی است که در شرایط کنونی در کشور ما، در غیاب چنین حمایت‌هایی، ناشران یا فعالیت خود را به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآورده‌اند یا به سختی در حال فعالیت هستند. چراکه در صنف ناشران اساساً توان نقدینگی بسیار اندک است و به‌عنوان مثال، برخلاف دیگر اصناف نمی‌تواند جنسی را که گران می‌خرد، گران بفروشد یا همان‌طور که مواد اولیه مورد نیازش را نقدی می‌خرد، محصول کارش را هم نقدی بفروشد. درواقع ناشر اگرچه بخش عمده‌ای از مواد اولیه مورد نیازش را نقد خریداری می‌کند، اما برای بازگشت سرمایه اولیه‌اش باید چشم‌انتظار فروش کتابی بماند که به کتاب‌فروشی‌ها سپرده است و فارغ از این‌که کتاب ظرف چه مدت زمانی در کتاب‌فروشی‌ها فروش برود، بازگشت سرمایه ناشر به‌واسطه معمول بودن طویل‌المدتی چک‌هایی که کتاب‌فروش



به توزیع‌کننده و توزیع‌کننده به ناشر می‌دهد، چیزی قریب به ۱۰ تا ۱۲ ماه به طول می‌انجامد. درنتیجه می‌توان گفت فعالیت در حوزه نشر، در این روزها، در ایران، نه به‌صرفه است و نه اساساً توانی برای انجام آن باقی مانده است و این مسئله‌ای است که شما هرچه ناشر بزرگ‌تر و حرفه‌ای‌تری باشید، بیشتر به چشم‌تان می‌آید.»

او با اشاره به این‌که «منطقاً دولت و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از وظایفی در قبال ناشران برخوردار است که باید به آن وظایف عمل کند»، تأکید کرد: «اهم این وظایف، بسترسازی برای فعالیت ناشران است که می‌تواند از طریق تسهیل دسترسی به مواد اولیه مورد نیاز آن‌ها باشد؛ به‌گونه‌ای که دسترسی ناشر به مواد اولیه مورد نیازش از جمله کاغذ با قیمتی مناسب صورت بگیرد. این درواقع نه رانت است و نه سوبسید، بلکه صرفاً انجام کاری است که از جمله وظایف دولت در قبال ناشران به شمار می‌آید.»

در نهایت می‌توان گفت تخصیص کاغذ از محل ارز مبادله‌ای، در صورت فراهم کردن امکان خرید این ماده اولیه با قیمتی پایین‌تر از نرخ بازار آزاد، می‌تواند بخشی از فشار هزینه‌های تولید کتاب را کاهش دهد. با این حال، مسئله اصلی ناشران تنها قیمت کاغذ نیست؛ بلکه کمبود نقدینگی، طولانی بودن زمان بازگشت سرمایه و کاهش قدرت خرید مخاطبان نیز ادامه فعالیت در حوزه نشر را دشوار کرده است.